

تهاجم به غزه؛ زمینه‌ها، بازیگران، راهبرد و پیامدها

ایوب پورقیومی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۱۲/۳

صفحات مقاله: ۱۱۷-۱۴۵

چکیده

ضرورت پایان دادن به مقاومت از نگاه صهیونیسم، غرب و برخی کشورهای عربی، نگرانی از تهدیدات موشکی حماس و برخورداری رژیم صهیونیستی از حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از عوامل مهم زمینه‌ساز تهاجم^۲ به غزه به شمار می‌روند. بازیگران جنگ اهدافی را دنبال می‌کردند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تلاش برای نابودی حماس یا حداقل تمديد آتش‌بس با این جنبش، احیای قدرت بازدارندگی اسرائیل پس از شکست در لبنان، تحقق اهداف راهبردی مشترک آمریکا و اسرائیل، تغییر اولویت‌های امنیتی منطقه از اسرائیل به نظام جمهوری اسلامی و مقابله با روند افزایش قدرت منطقه‌ای ایران اشاره کرد. این جنگ ضمن ارتقاء جایگاه حماس و مقاومت در جهان عرب موجب پایان یافتن افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی، افزایش شکاف میان رهبران سازش‌کار عرب و مردم آن‌ها و تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه گردید.

* * * * *

۱ - کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک و مدرس دانشگاه افسری امام حسین^(ع)، دانشکده شهید مطهری.

۲ - این جنگ از شنبه ۷ دی ماه ۱۳۸۷ آغاز گردید و پس از ۲۲ روز خاتمه یافت.

کلید واژگان

جنگ غزه، جنبش حماس، مقاومت، رژیم صهیونیستی، فلسطین اشغالی

مقدمه

تهاجم بی رحمانه به غزه پس از اشغال افغانستان و عراق و جنگ ۳۳ روزه لبنان و در شرایطی که افکار عمومی بین المللی بارها و به طرق مختلف مخالفت خود را با جنگ طلبی ابراز می کرد و منطقه حساس خاورمیانه بیش از هر زمان دیگری به ثبات و آرامش نیاز داشت، سؤالات زیادی را در اذهان ایجاد نمود. از جمله اینکه چه زمینه هایی برای وقوع جنگ در داخل سرزمین های اشغالی، سطوح منطقه ای و بین المللی وجود داشت؟ بازیگران جنگ چه اهدافی را دنبال می کردند؟ و پیامدهای این هجوم وحشیانه چه بود؟ در این مقاله تلاش می شود ضمن ارائه پاسخی مناسب به این سؤالات، به سؤالات مربوط به راهبرد و تاکتیک طرفین درگیر نیز جواب داده شود. فرضیه پژوهش بر این است که احیای قدرت بازدارندگی اسرائیل و رهایی از کابوس شکست در جنگ ۳۳ روزه لبنان و تلاش آمریکا و متحدانش برای جلوگیری از قدرت یابی جریان های همسو با ایران، در وقوع جنگ تأثیرگذار بود.

زمینه ها و علل جنگ

در بررسی زمینه های جنگ می توان به مسائل مختلفی اشاره کرد. برخی از این علل به مسائل داخلی فلسطین اشغالی، مواردی به مسائل منطقه ای و برخی دیگر به مسائل بین المللی برمی گردد.

زمینه ها و علل داخلی

در خصوص مهم ترین زمینه ها و علل داخلی جنگ می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

امید به کاهش حمایت مردمی از حماس

ساکنان نوار غزه از قریب به ۱۸ ماه قبل از جنگ ۲۲ روزه در محاصره کامل به سر می‌بردند. اسرائیل دلیل بسته ماندن این گذرگاه‌ها را مسائل امنیتی عنوان نموده و ادعا داشت که نمی‌تواند به حماس اعتماد کند و کنترل رفح و کرانه را به دست حماس دهد. جنبش فتح (رقیب عمده داخلی حماس) نیز در این مورد از اسرائیل حمایت می‌کرد. (شهبواری، ۱۳۸۶: ۱۳) آن‌ها اینگونه می‌پنداشتند که در جریان محاصره، ساکنان این منطقه بر اثر فشارها، کمبودها و ناملایمات، از جمله کمبود امکانات اولیه‌ای چون دارو، غذا، برق، سوخت و... مردم از حماس خسته شده و دست از حمایت آن برمی‌دارند. با توجه به آنچه گفته شد، این محاصره خود یکی از عوامل زمینه‌ساز تهاجم بود.

تعیین سرنوشت انتخابات

رژیم صهیونیستی در تهاجم به غزه اهداف کوتاه مدت انتخاباتی را نیز لحاظ کرده بود. از آنجا که در داخل سرزمین‌های اشغالی به جز گروه اندکی از فعالان حقوق بشر و طرفداران صلح، اکثریت قریب به اتفاق شخصیت‌ها و محافل سیاسی، حزبی و دولتی موافق و حامی عملیات علیه غزه بودند،^۱ در صورت حصول نتیجه دلخواه، این تهاجم در انتخابات پیش روی این رژیم تأثیر قابل توجهی داشت.

نگرانی از تهدیدات موشکی حماس

تهدیدات موشکی حماس در مقابله با اسرائیل یکی از علل اصلی بی‌تفاوتی آمریکا و غرب، سکوت محمود عباس و همراهی یا سکوت کشورهای عربی در

۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۱۰/۸

قبال تهاجم به غزه بود. اگرچه حماس از قدرت موشکی برای دفاع مشروع از خود و سرزمین‌های اشغالی فلسطین استفاده می‌کند، اما همین امر مستمسکی برای کشورهای مخالف با جریان بیداری اسلامی در منطقه گردیده است.

موقعیت نامساعد محمود عباس

قدرت گرفتن روز افزون حماس در غزه و کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان فلسطین و به دنبال آن، برگزیده شدن اسماعیل هنیه به‌عنوان رییس دولت و به حاشیه رفتن جنبش فتح و دولت محمود عباس^۱ از رخداد‌های مهم سال‌های اخیر است که کشورهای عرب به اصطلاح میانه‌رو، رژیم صهیونیستی، آمریکا و غرب از وقوع آن بسیار ناراضی هستند. از آنجا که در تشکیلات خودگردان فلسطینی نیز موقعیت محمود عباس چندان مساعد نبود، گروه وی به امید بهبود وضعیت سیاسی، سرسختانه به دنبال حذف رقیب پرقدرت خود (حماس) از صحنه بود.

زمینه‌ها و علل منطقه‌ای

در سطح منطقه دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، مواضع برخی کشورهای عربی و تلاش آمریکا و متحدانش برای جلوگیری از قدرت‌یابی جریان‌های همگرا با ایران، در وقوع جنگ تأثیرگذار بود. در ادامه سایر عوامل زمینه‌ساز جنگ در این سطح نیز بررسی می‌گردند.

ضرورت حذف پدیده مقاومت

سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان از طرح خطرناکی برای نابودی

۱ - رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین

مقاومت با مشارکت برخی دولت‌های عربی پرده برداشت و اعلام کرد: ملت‌های عربی و اسلامی باید در مقابل دولت مصر قیام کرده تا گذرگاه رفح را باز کرده و غذا، دارو و سلاح به غزه ارسال کنند. (عبدالله، ۱۳۸۷) «تی‌یری میسان» پژوهشگر فرانسوی و مسئول پایگاه اینترنتی «ولتر» در مقاله‌ای که در این پایگاه منتشر کرد، مصر، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را سه عضو اصلی مثلثی می‌داند که طرح حمله به غزه را طراحی و به اجرا درآوردند. وی در ادامه می‌نویسد: برای نخستین بار است هزینه جنگ اسرائیل در منطقه را نه آمریکا، بلکه یک کشور عربی، آن هم عربستان سعودی تأمین می‌کند. ریاض با تأمین این هزینه می‌کوشد مهم‌ترین جنبش سیاسی سنی را که در کنترل خود ندارد، از بین ببرد. (basirat.ir)

مقامات اسرائیلی نیز از هماهنگی عملیات با بعضی از کشورهای منطقه‌ای خبر داده بودند که با توجه به سفر محمود عباس به عربستان و سفر لیونی به مصر در فاصله دو روز مانده به تهاجم به غزه، مصر و عربستان در معرض اتهام همراهی با اسرائیل قرار داشتند. (زارعی، ۱۳۸۷) لیونی وزیر امور خارجه اسرائیل در قاهره در کنار احمد ابوالغیط همتای مصری خود به صراحت بر ضرورت پایان پدیده مقاومت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین تأکید کرد. (عبدالله، همان) این قرائن نشان دهنده آن است که حذف مقاومت در دیدگاه برخی کشورهای عربی ضرورت ویژه‌ای دارد.

تلاش برای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل

روند سازش بعد از پیمان غزه - اریحا در حال پیشروی بود، ولی با ترور اسحاق رابین و بعد از مدتی روی کارآمدن بنیامین نتانیاهو از لیکود، تقریباً این روند به بن‌بست رسید. این پیمان باعث شد تا کشورهای اسلامی منطقه (بجز ایران) که تا قبل از انعقاد این پیمان بصورت محرمانه با اسرائیل روابطی برقرار کرده بودند، روابط خود را علنی نموده و قبح ارتباط با اسرائیل به عنوان دشمن

مسلمانان از بین برود. (رسالت، ۱۳۸۷/۴/۳۱)

اتحادیه عرب پس از اجلاس نوزدهم سران (در ریاض)، یک گروه کاری متشکل از ۱۰ کشور عربی (به ریاست عمرو موسی)، را مأمور برقراری تماس با اسرائیل، کار با سازمان ملل متحد و همچنین کمیته چهارجانبه کرد. (mehrnews.ir) کنفرانس صلح پاییزی موسوم به آنابولیس نیز هدف محوری عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل را دنبال می‌نمود. آمریکا نیز درصدد است تا مشکلات روابط اعراب و اسرائیل را حل نموده و آن‌ها را در جهت ایجاد قطب جدید قدرت برای جلوگیری از توسعه نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه بسیج نماید.

زمینه‌ها و علل بین‌المللی

مهم‌ترین عوامل بین‌المللی زمینه‌ساز جنگ را می‌توان در موارد زیر یافت:

برخورداری اسرائیل از حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

هفته‌نامه فلسطینی «المنار» حمایت‌های لازم منطقه‌ای و بین‌المللی از اسرائیل برای آغاز تجاوزات گسترده به نوار غزه را شامل زمینه‌های سیاسی، رسانه‌ای و اطلاعاتی دانست و خبر از سفر هیأت‌های نظامی و سیاسی اسرائیل به چندین پایتخت عربی داد. واشنگتن نیز برای حمله به نوار غزه به اسرائیل چراغ سبز نشان داده بود. (farsnews.com) اسرائیل هفته پیش از جنگ، آخرین هماهنگی‌ها را با جرج بوش، باراک اوباما، نیکلا سارکوزی، محمود عباس، حسنی مبارک و ملک عبدالله انجام داده و آنان را کاملاً در جریان عملیات گذاشته و همراهی آنان را جلب کرده بود. (زارعی، همان)

روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا

جابجایی دولت در آمریکا میان نومحافظه‌کاران و دموکرات‌ها و تأکید بیشتر

دموکرات‌ها بر حل و فصل مسائل از طرق غیرنظامی، جنگ‌طلبان آمریکایی و اسرائیلی را بر آن داشت تا دولت جدید را در مقابل عملی انجام شده قرار دهند. حداقل تأثیر این حمله آن بود که تیم جدید کاخ سفید به رهبری باراک اوباما با پرونده‌هایی از قبل آماده شده وارد سیاست خارجی آمریکا شود.

بازیگران جنگ

بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هر یک مطابق اهداف و منافع خود در قبال تهاجم به غزه موضع‌گیری کردند. در ادامه، منافع، اهداف و مواضع این بازیگران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بازیگران داخلی

رژیم صهیونیستی، حماس و فتح، سه بازیگر اصلی جنگ در داخل سرزمین‌های اشغالی و هر کدام دارای اهداف خاص خود بودند.

رژیم صهیونیستی

مهم‌ترین اهداف رژیم صهیونیستی از مقابله با حماس عبارت بودند از:

پایان دادن به حکومت حماس در غزه

چند روز پس از آنکه کابینه اسرائیل در نشست محرمانه یک عملیات گسترده در غزه را تصویب کرد و بعضی مقامات این رژیم از پایان دادن به حکومت حماس در غزه سخن به میان آوردند، لیونی رهبر کنونی حزب کادیما و یکی از نامزدهای مطرح نخست‌وزیری آینده اسرائیل گفت که در صورت پیروزی خود، به حکومت حماس در غزه پایان خواهد داد. از سوی دیگر بنیامین نتانیاهو رقیب سرسخت لیونی و رهبر حزب لیکود نیز پس از بازدید از منطقه

سدیروت که به تازگی هدف حملات موشکی فلسطینی‌ها قرار گرفته بود، با انتقاد از سیاست‌های اولمرت گفته بود: «چاره‌ای جز سرنگونی حکومت حماس در غزه نیست». (اعتماد، ۱۳۸۷: ۳) این مسأله نشان می‌دهد که سرنگونی دولت حماس، فصل مشترک تفکر سران احزاب مطرح در اسرائیل است.

تلاش برای تمدید آتش‌بس با جنبش حماس

رژیم صهیونیستی درست در زمان پایان آتش‌بس موقت شش ماهه با جنبش حماس، به چنین عملیات نظامی گسترده‌ای دست زد. سران رژیم صهیونیستی می‌خواستند که با گرفتن امتیازهای زیاد از حماس، عملاً این جنبش را با تحمیل آتش‌بس جدید، به یک نیروی شکست خورده و تسلیم شده تبدیل نمایند. (رضایی، ۱۳۸۷، tabnak.ir)

امضای قرارداد جدید قبل از پایان زمامداری بوش

از آنجا که دولت محمود عباس از آمادگی لازم برای پذیرش شرایط به اصطلاح صلح با اسرائیل برخوردار بود، رژیم صهیونیستی مقدماتی را برنامه‌ریزی کرد تا در آخرین روزهای زمامداری بوش، زمینه امضای قراردادهای ننگین صلح با فلسطینی‌ها را فراهم (عبدالله، همان) و بدین ترتیب قول بوش مبنی بر تحقق صلح میان اسرائیل و اعراب، تا قبل از پایان دوره دوم ریاست وی بر کاخ سفید، عملی گردد.

فراهم‌سازی مقدمات پیروزی حزب «کادیم» در انتخابات

اوایل اسفند ماه ۱۳۸۷ موعد برگزاری انتخابات کنیست^۱ اسرائیل بود. از طرف

۱ - پارلمان رژیم صهیونیستی

دیگر، احزاب صهیونیست، حزب کادیما را به ضعف و از بین بردن حیثیت اسرائیل در جنگ لبنان و برخورد ضعیف با فلسطینی‌ها متهم می‌کردند. لذا این حزب می‌خواست با یک قدرت نمایی در غزه، دوباره آرای از دست رفته خود را بازگرداند.

احیای قدرت بازدارندگی اسرائیل پس از شکست در لبنان

روزنامه نیویورک تایمز هدف اصلی عملیات در نوار غزه را نابودی قدرت حماس و توانمندی نظامی آن دانسته، اما هدف مهم‌تر از آن را رهایی اسرائیل از کابوس شکست سال ۲۰۰۶ در لبنان و احیای قدرت بازدارندگی این رژیم قلمداد کرد. این روزنامه، هدف اعلام شده از این حملات را مجبور ساختن حماس به توقف حملات راکتی به سوی اسرائیل ذکر نموده، (mardomsalari.com) و بر تحمیل آتش‌بس با شروط جدید تأکید کرده بود.

حماس

یکی از شعارهای اصلی و اولیه نهضت امام خمینی^(ره) دفاع از مظلومان بود و مسأله فلسطین و حمایت از فلسطینیان و دشمنی با رژیم صهیونیستی و تجاوزات آن، در صدر این هدف قرار داشت. (ولایتی، ۱۳۸۰: ۲۶۳) از همین رو انقلاب اسلامی در زمینه‌های تئوری و عمل برای جنبش حماس منبع فکر و الهام بوده است. (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۶۲) این جنبش در میان اهل سنت پرچمدار مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی و توسعه‌طلبی‌های این رژیم است. حماس بدون توجه به سازش‌کاران عرب، تاکنون در برابر فشارهای اقتصادی - سیاسی غرب و آمریکا و برخی کشورهای عربی برای ورود به عرصه سازش با رژیم صهیونیستی مقاومت کرده و تسلیم این فشارها و حتی حملات نظامی دشمن نشده است.

جنبش فتح

با توجه به نزدیک بودن پایان دوره قانونی ریاست محمود عباس بر تشکیلات خودگردان فلسطین، جنبش فتح خواهان فشار بر حماس برای تمدید ریاست وی برای یک دوره یک ساله دیگر بود و می‌خواست با توافق حماس، مشروعیتی برای ریاست تشکیلات ایجاد نموده و اختیاراتی برای امضای قراردادهای جدید با رژیم صهیونیستی به وی داده شود. (رضایی، پیشین)

جنبش فتح (رقیب اصلی حماس در داخل فلسطین اشغالی) نشان داده که از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به حماس و به حاشیه راندن آن فروگذار نکرده است. شبکه الجزیره در برنامه «بلاحدود» با شرکت محمد نزال،^۱ تصاویر اسنادی از لانه جاسوسی جنبش فتح و حکومت خودگردان (شامل لوح‌های فشرده صوتی و تصویری مهور به آرم حکومت خودگردان) ارائه کرد و آن‌ها را به جاسوسی از کشورهای عربی و اسلامی برای اسرائیل، آمریکا و برخی کشورهای غربی متهم کرد. محمد نزال در این شبکه با نشان دادن اسناد مربوطه، سرویس‌ها و دفاتر فتح در خارج را به فعالیت‌های گسترده جاسوسی در پاکستان، عربستان، یمن، لیبی، مغرب، عمان، مصر، قطر، جیبوتی و سومالی متهم کرد. در بعد خارجی این جاسوسی‌ها، مهم‌ترین اقدام، تشکیل کمیته مشترک اطلاعاتی بین جنبش فتح و حکومت خودگردان با اسرائیل و آمریکا بود. (۱۳۸۷، tabnak.ir)

بازیگران منطقه‌ای

اتحادیه عرب، جمهوری اسلامی ایران و سوریه سه طیف مهم بازیگران منطقه‌ای جنگ بودند.

۱ - عضو دفتر سیاسی جنبش حماس

اتحادیہ عرب

این طیف از بازیگران منطقه‌ای دو هدف عمده زیر را دنبال می‌کردند:

تغییر اولویت‌های امنیتی از اسرائیل به نظام جمهوری اسلامی

دلیل و ریشه اصلی سکوت معنادار اعراب در قبال بحران غزہ را باید در حوادث سال‌های اخیر در فلسطین اشغالی و قدرت گرفتن جنبش مردمی حماس در غزہ جست‌وجو کرد. کشورهای عرب میانه‌رو از قدرت گرفتن حماس و به حاشیہ رفتن فتح ناراضی هستند، زیرا این امر به تقویت بیداری اسلامی با محوریت ایران می‌انجامد. درخواست دبیرکل اتحادیہ عرب از رہبران فلسطینی برای سفر به مصر و اتخاذ یک تصمیم سیاسی در جهت تحقق هرچه سریع‌تر آشتی ملی (mardomsalari.com) و سایر اقدامات سران عرب از جمله برگزاری کنفرانس‌های متعدد امنیتی در منطقه، بویژه ہمایش امنیتی منامہ (در آذرماہ ۱۳۸۷) حاکی از آن است کہ آن‌ها سعی در تغییر اولویت‌های امنیتی خود از اسرائیل به نظام جمهوری اسلامی دارند.

پیام اصلی برپایی ہمایش «گفتگوی ادیان» در نیویورک (در آبان ۱۳۸۷) به ریاست عربستان سعودی و حضور «شیمون پرز» در کنار مقامات ارشد سعودی در مراسم ضیافت شام ہمایش و همچنین دیدار وزیر خارجه اسرائیل از مصر و تأکید وی بر لزوم از بین رفتن جنبش مقاومت فلسطین در حضور وزیر خارجه مصر (عبدالله، همان) و شرکت وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس ۵+۱ برای بررسی مسأله هسته‌ای ایران (پورقیومی، ۱۳۸۷) مؤید این تغییر است.

مقابله با روند افزایش قدرت منطقه‌ای ایران

کشورهای عربی در دو سال اخیر بارها از بسط نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه ابراز نگرانی کرده و به دنبال تضعیف نقش منطقه‌ای ایران و تعریف معادلاتی جدید در خاورمیانه با تمرکز ویژه بر نقش مصر و عربستان سعودی

هستند. (عبدالله، همان) اگرچه دولت حماس برخاسته از رای مردم فلسطین است اما اعراب میانه‌رو جنبش مقاومت فلسطین را دنباله‌رو سیاست‌های منطقه‌ای ایران قلمداد نموده و آن را عاملی در جهت افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی در حل معادلات و منازعات پیچیده می‌دانند. با این تصورات، این کشورها به همراه رژیم صهیونیستی، در رهگذر بحران غزه به دنبال حذف جنبش حماس و قدرت‌گیری دوباره جنبش فتح هستند تا روند به اصطلاح صلح میان اعراب و رژیم صهیونیستی را تقویت کنند؛ زیرا حماس تنها راه‌حل بحران فلسطین را تداوم مبارزه با اسرائیل می‌داند، اما جنبش فتح به فرایند صلح پایبند است.

جمهوری اسلامی ایران

نقش امام خمینی^(ره) در نهضت فلسطین دو اثر مهم به همراه داشت، یکی هدایت قیام به سمت انگیزه‌های اسلامی و دیگری حمایت مسلمانان انقلابی جهان از این نهضت. (امرای، ۱۳۸۳: ۲۲۷) امام قبل از انقلاب اسلامی دفاع از فلسطین و دشمنی با صهیونیسم را سرلوحه سیاست و مشی سیاسی خود قرار دادند. بعد از انقلاب اسلامی نیز با ایجاد زمینه‌های مناسب و همسو با حرکت‌های اسلامی و جنبش‌های انقلابی، ایران پایگاه اصلی مبارزات ضدطاغوتی و ضداستکباری گردید (سهرابی، ۱۳۸۶: ۲۲۶-۲۲۵) و نماینده رژیم صهیونیستی از ایران طرد، و سفارت فلسطین در کشور دایر شد. (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲: ۷۹)

اسپوزیتو^۱ معتقد است که با انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی، جهان‌گستر شد و حرکت اسلامی معادل با انقلاب اسلامی و «خمینی‌گرایی» تعریف شد. (پاشاپور یوالاری، ۱۳۸۱: ۱۲۷) مهم‌ترین تأثیر کلان انقلاب اسلامی در نظام

۱ - جان اسپوزیتو استاد امور بین‌الملل و مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج تاون و مدیر مرکز شاهزاده الولید بن طلال برای فهم متقابل مسلمانان و مسیحیان در دانشگاه جرج تاون (<http://fa.wikipedia.org>)

بین‌الملل، به چالش کشیدن ماهیت و موجودیت نظام صهیونیسم است که این فرآیند همچنان با قدرت بیشتری مسیر خود را طی می‌کند.

به دنبال ناامید شدن ملت‌های عرب از نتیجه گرفتن ناسیونالیسم عربی در مبارزه با اسرائیل و سپس شکل‌گیری و رشد حزب‌الله لبنان و انتفاضه مردم فلسطین، بارقه‌های امید با تکیه بر اسلام‌گرایی، بیش از هر زمان دیگری تنور مبارزه با اسرائیل را گرم نگه‌داشته است. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱) از آنجا که آزادسازی فلسطین همواره جزء آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده، جمهوری اسلامی ایران در ارائه کمک‌های معنوی و انسان‌دوستانه به جریان‌هایی که در خط مقدم جبهه مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی قرار داشته‌اند، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است. (پورقیومی، ۱۳۸۷: ۸۳) در طرف مقابل نیز رژیم صهیونیستی یکی از دشمنان اصلی ایران بوده و تمام توان خود را برای شکست یا تضعیف نظام جمهوری اسلامی به کار گرفته است. با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت مقاومت در لبنان و فلسطین ارتباطی عمیقی با جمهوری اسلامی ایران دارد و عقبه استراتژیک جریان اسلام سیاسی و بیداری اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران است.

سوریه

وجود منافع سوریه در فلسطین سبب شده است تا بشار اسد با پیروی از سیاست‌های اصولی پدرش به دنبال حفظ موقعیت سوریه در فلسطین و منطقه بوده و ارتباط خوبی با جریان مقاومت داشته باشد. از سوی دیگر، دو کشور سوریه و ایران در طول دو دهه گذشته روابط استراتژیک نزدیک براساس منافع متقابل داشته‌اند. عمق این اتحاد در ایجاد «کمیته مشترک عالی ایران و سوریه» نمایان است که هدف آن تضمین همکاری سیاسی بین دو کشور در حوزه‌هایی مثل لبنان، عراق و فلسطین و دیگر مسایل جهان اسلام است. از طرف دیگر، مقامات رسمی آمریکا بر این باورند که سوریه محور تمامی نقشه‌هایی است که

می‌تواند بحران خاورمیانه را حل کند. در واقع، آن‌ها به دنبال بیرون کشیدن سوریه از ائتلاف با ایران هستند، (قدس، ۱۳۸۶/۵/۲) زیرا محور ایران - سوریه موفقیت سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه را با چالش روبه‌رو ساخته است.

حزب‌الله

مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی، اساس و پایه فکری حزب‌الله و عامل اصلی پیدایش این جنبش است. حزب‌الله خود را یک جنبش مقاومت جهادی می‌داند که وظیفه عالی آن، آزادسازی خاک لبنان از اشغال اسرائیل بوده و مقاومت مسلحانه در برابر اسرائیل را خط قرمزی می‌داند که عبور از آن ناممکن است. (سعد غریب، ۱۳۸۵: ۲۰۱) با توجه به اینکه مقاومت در برابر تجاوز و توسعه‌طلبی و اشغالگری رژیم صهیونیستی فصل مشترک برجسته دو جنبش حماس و حزب‌الله می‌باشد، می‌توان گفت آن‌ها مانند دو بال در خدمت هدف مقدس دفاع از کیان اسلامی در منطقه هستند.

بازیگران بین‌المللی

آمریکا، اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و افکار عمومی مؤثرترین بازیگران بین‌المللی جنگ بودند.

آمریکا

در اوایل دهه ۱۹۹۰ استراتژی مبارزه با کمونیسم - به معنای یک نبرد درون تمدنی که در بطن تمدن غرب حادث شد - با استراتژی مبارزه با تروریسم - که یک نبرد بین تمدنی است - جایگزین شد. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۷۳) حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سبب شد که سیاست خارجی آمریکا بر جنگ علیه تروریسم متمرکز یابد. از آنجا که آمریکا گروه‌های مقاومت اسلامی را تروریست می‌داند،

خلع سلاح یا حذف جریان‌هایی چون حماس و حزب‌الله را در راستای تأمین منافع خود در خاورمیانه پشتیبانی می‌کند.

موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خاورمیانه به گونه‌ای است که نگاه بازیگران بزرگ عرصه بین‌المللی را به خود جلب می‌کند و می‌تواند به خوبی موازنه قدرت را به سود یا زیان قدرت‌های بزرگ بر هم بزند. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۹)

بنابراین توسل به یک بهانه مورد قبول افکار عمومی، جهت برنامه‌ریزی برای حضور در منطقه ضروری به نظر می‌رسید، که حادثه ۱۱ سپتامبر این بهانه را در اختیار آمریکایی‌ها قرارداد. آن‌ها ابتدا مقابله با گروه تروریستی القاعده را مبنای حضور خود در خاورمیانه اعلام نمودند، اما تحولات منطقه و مصالح رژیم صهیونیستی موجب شد تا گروه‌های مبارز فلسطینی و لبنانی که برای احقاق خود مبارزه می‌کنند و خود قربانی تروریسم دولتی تل‌آویو هستند، در فهرست سیاه آمریکا قرار گیرند. (امینی، ۱۳۸۳: ۱۱۴) امری که در خود آمریکا هم قابل قبول بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی نیست. به عنوان نمونه چامسکی می‌گوید: باید بین ترور و مقاومت تمایز قائل شد، آمریکا حتی تا آنجا پیش رفته اگر مردم در برابر حمله مستقیم او مقاومت کنند، آن‌ها را تروریست می‌خواند، برای مثال ویتنام جنوبی‌ها و یا اخیراً عراقی‌ها. (چامسکی، ۱۳۸۷: ۲۱۵-۲۱۴) آمریکا حماس را نیز در فهرست سازمان‌های تروریستی و یکی از اهداف جنگ علیه تروریسم قرار داده و می‌کوشد تا با خلع سلاح آن، تهدید علیه امنیت رژیم صهیونیستی را خنثی و جبهه طرفداران ایران را تضعیف کند.

در مجموع اهداف آمریکا در قالب گزینه‌های زیر با جنگ غزه ارتباط پیدا می‌کند: تغییر ساختار سیاسی خاورمیانه با ایجاد خاورمیانه جدید و تضعیف و انزوای ایران در آن؛ نابودی عقبه راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛ نابودی مقاومت اسلامی حماس یا حذف آن از صحنه نظامی؛ تأمین منافع راهبردی خود با حمایت از رژیم صهیونیستی؛ به چالش کشیدن نقش ایران در معادلات مهم منطقه‌ای از جمله روند صلح خاورمیانه و تضعیف ائتلاف ایرانی - سوری با محوریت حزب‌الله و حماس.

اتحادیه اروپا

این اتحادیه به عنوان یکی از متحدان بین‌المللی رژیم صهیونیستی تلاش نمود با سکوت خود در قبال جنایات این رژیم، راه را برای سرکوب هرچه بیشتر مظلومان غزه فراهم نماید. پس از آغاز حملات زمینی، این اتحادیه موضع جانب‌دارانه خود را آشکار نمود و ضمن حمایت از رژیم صهیونیستی، حماس را به دلیل حملات موشکی به سرزمین‌های اشغالی محکوم و تهاجم به غزه را حق طبیعی این رژیم دانست.^۱ البته در میان کشورهای عضو این اتحادیه فرانسه تلاش نمود نقشی فعال‌تر از بقیه را بازی نماید. سفر منطقه‌ای سارکوزی در خلال جنگ^۲ حاکی از تلاش فرانسه برای ایفای نقشی مجزا از سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود.

سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل به عنوان یک بازیگر بین‌المللی باید در مسائلی که مربوط به صلح و امنیت جهانی است، نقشی فعال و مناسب ایفا نماید. متأسفانه در تراژدی غزه با توجه به اینکه تا حدود زیادی مواضع این سازمان در این جنگ، تحت فشار و نفوذ آمریکا و سایر کشورهای غربی قرار داشت، مصالح رژیم صهیونیستی را بر حقوق قانونی مردم غزه ترجیح می‌داد. فرصت دادن به رژیم صهیونیستی برای کشتار بیشتر در نوار غزه و تعلل در صدور قطعنامه علیه این رژیم خود گویای این امر است. پس از گذشت دو هفته از آغاز تهاجم، شورای امنیت با تصویب قطعنامه^۳ ۱۸۶۰ خواستار آتش‌بس فوری در غزه، خروج

۱- این موضع‌گیری دقیقاً شبیه به موضع‌گیری بوش و تقریباً همزمان با آن بود.

۲- سارکوزی در خلال جنگ به مصر، فلسطین اشغالی، لبنان و سوریه سفر کرد.

۳- در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۰، قطعنامه را با ۱۴ رای مثبت و تنها رای ممتنع آمریکا تصویب شد و در آن نیز نامی از مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) برده نشده است.

نیروهای رژیم صهیونیستی، انتقال تجهیزات و کمک‌های انسانی به غزه، و آشتی میان جناح‌های فلسطینی گردید. (basirat.ir) البته باید این مطلب را هم باید یادآور شد که خانم «ناوی پیلای» رییس شورای حقوق بشر سازمان ملل در نشست ویژه این شورا^۱ که به منظور بررسی مسائل نوار غزه تشکیل شده بود، اقدامات وحشیانه رژیم صهیونیستی در غزه را بالاتر از حد تصور و به عنوان جنایات جنگی قابل تعقیب دانست. (basirat.ir)

افکار عمومی

نقش و تأثیر افکار عمومی جهانی را نمی‌توان در بحران غزه نادیده گرفت. اگرچه بسیاری از سران کشورهای غربی و عربی در قبال این تهاجم وحشیانه سکوت اختیار کرده بودند، اما حضور چشمگیر مردم کشورهای مختلف در تظاهرات و راهپیمایی علیه جنایات‌های رژیم صهیونیستی باعث فشار افکار عمومی بر دولت‌ها و تأثیر بر مواضع آن‌ها گردید.

راهبرد و تاکتیک‌های طرفین درگیر در جنگ

از آنجا که راهبرد و تاکتیک‌های طرفین درگیر در جنگ نقش مهمی در سرنوشت آن دارد، در ادامه به بررسی این مسأله پرداخته می‌شود.

راهبرد و تاکتیک‌های رژیم صهیونیستی

راهبرد رژیم صهیونیستی در این جنگ استفاده از نبرد برق‌آسا بود و الگوی رفتاری آن شباهت زیادی به نوع اقدامات آمریکا در افغانستان و عراق داشت. ابتدا با استفاده از حملات موشکی و هوایی، تأسیسات حساس و حیاتی نظامی و

۱ - روز جمعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۰

غیرنظامی حریف را مورد تهاجم گسترده قرار داد و بعد از تحت تأثیر قرار دادن اراده مقاومت طرف مقابل، عملیات زمینی خود را آغاز نمود. مهم‌ترین تاکتیک‌های رژیم صهیونیستی در این نبرد نیز حمله هوایی گسترده؛ گسترش عملیات زمینی؛ جنگ تبلیغاتی- روانی و بهره‌گیری از حمایت‌های بین‌المللی بود.

راهبرد و تاکتیک‌های حماس

راهبرد حماس در این جنگ بهره‌گیری از نبرد نامتقارن بود. بین توان، ابزارها، راهبردها، تاکتیک‌ها، اهداف، عناصر قدرت، سازماندهی و فرماندهی نیروی مقاومت حماس و ارتش رژیم صهیونیستی کم‌ترین تقارن وجود داشت. مهم‌ترین و بارزترین نمونه این عدم تقارن، استفاده اسراییل از پیشرفته‌ترین سلاح‌ها از قبیل بمب‌های هوشمند و هواپیماهای مدرن است. در طرف دیگر، حماس با حملات موشکی به شهرک‌های اشغالی صهیونیست‌نشین و اتخاذ شیوه‌های جنگ نامنظم و چریکی، از آسیب‌پذیری‌های رژیم صهیونیستی استفاده بهینه نمود. استفاده از قدرت اجتماعی؛ اسلامی کردن مبارزه؛ استفاده از توان موشکی و بکارگیری روش‌های تبلیغاتی روانی نیز از مهم‌ترین تاکتیک‌های حماس در نبرد بود.

درس‌ها و پیامدهای جنگ

حمله به غزه علاوه بر منطقه خاورمیانه، سایر نقاط جهان را نیز تحت تأثیر قرار داد. برای تبیین این مسأله، در ادامه این پیامدها در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

درس‌ها و پیامدهای جنگ در سطح داخلی

کاهش محبوبیت اولمرت و باراک و توقف روند سازش و آغاز مرحله جدیدی از مقاومت مسلحانه از مهم‌ترین پیامدهای داخلی جنگ به شمار می‌روند.

کاهش محبوبیت اولمرت و باراک نتانياهو

روزنامه واشنگتن پست در مقاله‌ای تحت عنوان «آخرین شکست ايهود اولمرت» به قلم جکسون دیل نوشت: جنگ اسراییل علیه غزه به منزله آن است که ايهود اولمرت در طول کم‌تر از سه سال دو جنگ خون‌بار و جنگ‌های محدود دیگر را صورت داد. (mardomsalari.com) بدون تردید این مسأله در کنار عدم دستیابی به نتیجه مورد نظر جنگ طلبان صهیونیست، باعث کاهش محبوبیت اولمرت و باراک در داخل رژیم صهیونیستی و در میان مردم ساکن سرزمین‌های اشغالی خواهد شد.

آغاز مرحله جدید مقاومت مسلحانه

جنگ غزه ثابت کرد که اسراییل به دنبال هیچ راه‌حل مسالمت‌آمیزی نیست و همچنان سلاح بین فلسطینی‌ها و اسراییل قضاوت می‌کند. با تهاجم نابخردانه به غزه، روند سازش بین دولت خودگردان و رژیم صهیونیستی با چالش مواجه گردید و احتمالاً مرحله جدیدی از مقاومت در سرزمین‌های اشغالی آغاز و زمینه بروز عملیات‌های شهادت طلبانه تقویت می‌شود.

درس‌ها و پیامدهای جنگ در سطح منطقه‌ای

درخصوص مهم‌ترین درس‌ها و پیامدهای جنگ در سطح منطقه‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ارتقای جایگاه حماس و مقاومت در جهان عرب

بدون تردید پس از این جنگ، نیروهای مقاومت در منطقه از حیات جدیدی برخوردار می‌شوند و جایگاه آن‌ها تثبیت می‌شود. در همین راستا موضع حزب‌الله لبنان در جریان گفتگوهای ملی تحت عنوان «تدوین استراتژی دفاعی» - که می‌گوید برای دفاع در برابر هرگونه حمله‌ای از سوی اسراییل به لبنان، این کشور

باید همچنان به نیروهای مقاومت مجهز و آماده باقی بماند - بیش از پیش تثبیت می‌شود. (ayandenews.com) پیروزی استراتژیک حماس، جایگاهی اسطوره‌ای و باورنکردنی برای این جنبش به وجود آورد و این گروه نیز پس از حزب‌الله، با مقاومت سرسختانه و تحمیل شکست به ارتش رژیم صهیونیستی، روح امید و اعتماد به نفس را در جوانان و مبارزان جهان عرب ایجاد نمود.

پایان افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی

همان‌گونه که حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه بر ارتش اسرائیل که قدرتمندترین ارتش نظامی در منطقه بود پیروز شد، حماس نیز یک بار دیگر پایان افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را اثبات نمود. اکنون مردم منطقه، مقاومت حزب‌الله و حماس را با شکست سریع ارتش‌های سه کشور بزرگ عربی در جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ مقایسه می‌کنند و این امر به تقویت روحیه ارتش‌های عربی و امیدواری به ثمربخشی جریان مقاومت می‌انجامد.

افزایش شکاف میان رهبران عرب و مردم

موضع‌گیری نامناسب و سکوت سران برخی کشورهای عربی در برابر جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌گناه غزه و همراهی برخی رهبران عرب با واشنگتن و تل‌آویو، خشم مردم را در سراسر جهان اسلام بویژه در کشورهای عربی برانگیخت و این امر شکاف میان رهبران عرب و مردم آن‌ها را افزایش داده است.

تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران

پیروزی جریان‌های اسلام‌گرای خاورمیانه در انتخابات‌های مختلف در کشورهای منطقه از جمله لبنان، عراق، فلسطین، مصر، بحرین، افغانستان و... و همچنین پیروزی نظامی حزب‌الله و حماس در مقابل رژیم صهیونیستی، برای طرح‌های راهبردی آمریکا در حوزه‌های سیاسی و امنیتی چالش‌آفرین شده است.

این روند، افزایش اقتدار و جایگاه سیاسی و امنیتی جریان‌های اسلامگرا را به دنبال داشته و حاشیه امنیتی مقاومتی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. در این شرایط، طبق گفته بشیرموسی نافع^۱: «اعتماد ایران به برگه‌های برنده‌اش و همچنین امیدش به ادامه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای افزایش می‌یابد.» (مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، ۲۰۰۶/۸/۱۷) با توجه به این امر چرخش راهبرد غربی‌ها در قبال ایران از فاز تهدیدات نظامی و سخت به راهکارهای نرم قابل تصور است.

الگوبرداری از مدل مقاومت

جنبش حماس با الگوبرداری از حزب‌الله، توان رزمی - عملیاتی خود را در برابر ارتش اسرائیل افزایش داده و با تقویت توانمندی موشکی خود، جنوب سرزمین‌های اشغالی را با تهدید روبه‌رو ساخته است. با توجه به توان حزب‌الله در تهدید شمال سرزمین‌های اشغالی، در آینده می‌توان شاهد محاصره اسرائیل در میان جنبش‌های اسلامی مسلحی بود که با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید می‌توانند موجودیت این رژیم را تهدید کنند. (دلاورپوراقدام، مصطفی، ۱۳۸۶) البته این امر فقط به جنبش‌های یاد شده منتهی نمی‌شود و تمسک به نقاط قوت حزب‌الله و حماس، الگویی برای تمامی جنبش‌های چریکی در سراسر جهان خواهد بود.

درس‌ها و پیامدهای جنگ در سطح بین‌المللی

این جنگ از جهت‌های متعددی دارای برجستگی‌های مهم در سطح بین‌المللی است، از جمله:

۱ - تحلیلگر پایگاه اینترنتی الجزیره

ارائه مدل مناسب برای جنگ‌های چریکی در دنیای مدرن

جنگ غزه ثابت کرد یک گروه چریکی مؤمن می‌تواند با امکانات ناچیز در نبردی نامتقارن، یک ارتش منظم و مجهز به جنگ‌افزارهای پیشرفته را با شکست روبه‌رو سازد و جنگ‌افزارهای پیشرفته در برابر تاکتیک و برنامه‌ریزی صحیح کارآیی چندانی ندارند. این جنگ نشان داد که فقط حجم گسترده نیروهای نظامی و بودجه و اعتبار وسیع جنگی و فناوری نظامی پیشرفته عامل موفقیت نیست و ایمان و اتکا به خداوند و عدم هراس از مرگ در کنار ابتکار عمل‌های جدید در صحنه نبرد و استفاده از فناوری مناسب عامل پیروزی است. ارتش‌های منظم و مجهز تنها قابلیت جنگ با ارتش‌های مشابه و ضعیف‌تر از خود را دارند اما قادر نیستند با قدرت‌های رزمی غیرکلاسیک به خوبی بجنگند.

اثبات کارآمدی تاکتیک‌های مناسب در جنگ

جنگ غزه نشان داد که تاکتیک‌های کارآمد و مناسب، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در جنگ‌ها دارند و می‌توانند استراتژی رقیب را دستخوش تحولات عمیق نمایند. در این جنگ اسرائیل کاملاً متوجه این مسأله شد که امنیت ملی تنها با برتری نظامی قابل دستیابی نیست. امروزه امنیت ملی کشورها از ناحیه نیروهای شبه‌نظامی و جنگ‌های چریکی در معرض تهدید است. تهدیدهایی که با راهبردها و تاکتیک‌های سنتی معروف به جنگ کلاسیک نمی‌توان آن را دفع و خنثی ساخت. در نتیجه، در راهبرد امنیت ملی، علاوه بر بعد نظامی امنیت، باید ابعاد دیگر آن نیز مدنظر قرار گیرد.

افول قدرت آمریکا و افزایش نفرت از آن در منطقه

به باور تحلیل‌گران سیاسی، روند جنگ غزه نشان داد که قدرت آمریکا در منطقه رو به افول نهاده و دوران یکه‌تازی این کشور به پایان رسیده است. در همین زمینه برژینسکی^۱ اعلام کرد که سیاست خاورمیانه‌های آمریکا کاملاً شکست خورده است. (برژینسکی، ۱۳۸۷: ۳) وی معتقد است که سیاست خاورمیانه‌های دولت بوش، آمریکا را بیش از هر زمانی نزد مردم خاورمیانه منفور کرده است. اگر بخواهیم ریشه اصلی این نفرت را بیابیم، بی‌تردید باید بر جنگ‌افروزی آمریکا در منطقه و همچنین حمایت این کشور از اسرائیل به عنوان دو علت اصلی این تنفر، انگشت بگذاریم. (jomhourieslami.com) این جنگ امیدهای باقی‌مانده برای آمریکا در جهت آنکه به عنوان یک واسطه امین در صلح بین اسرائیلی‌ها و اعراب تلقی شود را نقش بر آب کرد. دخالت آمریکا در راه‌اندازی و ادامه جنگ و تلاش برای تقویت موضع اشغالگران قدس شریف پس از جنگ، برای افکار عمومی اعراب تردیدی بر دخالت یکجانبه آمریکا به نفع رژیم صهیونیستی در مناقشه اعراب و صهیونیست‌ها باقی نگذاشته است.

ضعف ابزارهای آمریکا در منطقه برای تثبیت هژمونی این کشور

یکی از درس‌ها و پیامدهای مهم این جنگ، آشکار شدن ضعف آمریکا در تثبیت هژمونی خود بود. مجدداً این مسأله تأیید شد که آمریکا در ترجمه پتانسیل‌های برتر نظامی خود به نیروی بازدارنده سیاسی، دارای مشکلات اساسی است. بلچمن^۲ و کافمن^۳ در این زمینه می‌نویسند: آمریکا در طول دهه‌های اخیر در استفاده از قدرت نظامی خود و ترجمه قدرت نظامی به قدرت سیاسی با مشکلاتی

۱ - زیبگنیو برژینسکی که مشاور امنیت ملی دولت جیمی کارتر رئیس جمهوری اسبق آمریکا

۲ - باری بلچمن، معاون آژانس «کنترل تسلیحات و خلع سلاح آمریکا» در دوران جیمی کارتر

۳ - تامارا کافمن، از محققان برجسته مؤسسه بروکینگز

روبه‌رو بوده است، در بسیاری از موارد، دیپلماسی قایق‌های توپدار به تنهایی توانسته است آمریکا را به اهداف خود برساند و پس از شکست تهدیدهای پرطمطراق، آمریکا مجبور به عقب‌نشینی و یا استفاده عملی از نیروهای مسلح شده است. (بلچمن و همکاران، ۱۳۷۸: ۱) در غزه نیز آمریکا نتوانست از موقعیت برتر خود برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای‌اش استفاده نماید و در نهایت مجبور به تجویز استفاده از نیروی نظامی (با واسطه رژیم صهیونیستی) شد.

کاهش اعتماد به نهادهای بین‌المللی

درس بزرگ دیگر این جنگ این بود که نمی‌توان اعتماد چندانی به سازمان ملل و شورای امنیت برای انجام وظایف خود در قبال صلح و امنیت جهانی داشت، زیرا این نهادها اغلب در اختیار منافع و سیاست‌های غرب و در رأس آن‌ها آمریکا قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال در این جنگ هم مانند جنگ ۳۳ روزه لبنان، با وجود فجایع و حوادث وقیحانه، این نهادها در انجام وظیفه ذاتی خود کوتاهی کردند. بنابراین تا زمانی که شاهد اینگونه مواضع از طرف سازمان ملل و دیگر نهادهای مسئول صلح و امنیت هستیم، نباید امید چندانی به احقاق حق ملت‌ها در مسائل بین‌المللی داشته باشیم. این مسأله تداعی کننده مواضع جامعه ملل در مورد برهم زندگان صلح و امنیت جهانی قبل از جنگ جهانی دوم است که در نهایت موجب از بین رفتن تشکیلات جامعه ملل شد.

شکست فرایند صلح در منطقه

در مذاکرات صلح میان اعراب و اسرائیل، عملکرد آمریکا به شدت در جهت منافع اسرائیل بود. (هینبوش، ۱۳۸۲: ۱۱۰) تا جایی که عربستان پس از ۱۱

سپتامبر تحت فشار آمریکا حاضر به تغییر موضع خود در قبال فلسطین شد. مارتین ایندیک^۱ نوشت: چرا از عربستان نمی‌خواهیم که در برابر به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین توسط آمریکا، اسرائیل را به رسمیت بشناسد. (منصوری، ۱۳۸۵: ۱۳۸) موضوع صلح خاورمیانه در سال‌های اخیر با هدف شناسایی و مشروعیت اسرائیل در نزد کشورهای منطقه از سوی آمریکا و غرب دنبال شد. این فرایند که در قالب‌های مختلف «نقشه راه»، «طرح صلح عربی» و «کنفرانس آنابولیس» پیگیری می‌شد، پس از جنگ اخیر و با شرایط ویژه و غیرانسانی در نوار غزه، بیش از پیش به یک شعار دست نیافتنی تبدیل شده است. در همین رابطه روزنامه لس‌آنجلس تایمز نوشت: حمله اسرائیل به نوار غزه گامی به عقب و ضربه‌ای به تلاش‌ها و اهدافی است که بعد از کنفرانس آنابولیس آغاز شده است. (mardomsalari.com) با توجه به روند این حوادث می‌توان گفت که فرایند صلح در منطقه شکست خورده است.

نتیجه‌گیری

در میان اهل سنت، جنبش حماس پرچمدار مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی و توسعه‌طلبی‌های این رژیم است و تاکنون در برابر فشارهای غرب و آمریکا و برخی کشورهای عربی برای ورود به عرصه سازش مقاومت کرده و تسلیم نشده است. از همین رو پشتوانه مردمی این جریان یعنی ساکنان نوار غزه قریب به ۱۸ ماه قبل از تهاجم ۲۲ روزه در محاصره کامل به سر می‌بردند، زیرا دشمنان و مخالفان بر این باور بودند که می‌توانند پشتیبانی مردمی از حماس را کاهش داده و شرایط را به سود رقیب آن (جنبش فتح) تغییر دهند.

۱ - یکی از کارشناسان سیاسی آمریکا

اجرای راهبرد فرار به جلو و پوشش گذاشتن بر ضعف‌های نظامی و تثبیت مجدد برتری نظامی اسرائیل؛ حذف ساختار نظامی، از بین بردن توان موشکی و ترور رهبران جنبش حماس؛ مجازات ساکنان غزه به خاطر پناه دادن به حماس و تخریب پایگاه مردمی آن؛ تلاش برای شناسایی اسرائیل از طرف دولت حماس؛ اعمال فشار بر سوریه برای حل مسأله بلندی‌های جولان و انعقاد قرارداد صلح و شناسایی رژیم صهیونیستی از سوی این کشور؛ رفع مشکلات رژیم صهیونیستی با سایر دول عرب به منظور برقراری روابط گسترده دیپلماتیک و اقتصادی؛ مهار نیروهای مخالف رژیم صهیونیستی در منطقه؛ برقراری امنیت و شناسایی رژیم صهیونیستی توسط کشورهای منطقه؛ مهار موج اسلام‌گرایی در خاورمیانه؛ ایجاد تفرقه در جهان اسلام؛ تأمین فضای گسترده‌تر برای تنفس صهیونیسم و دسترسی به توافقنامه‌های امنیتی و سیاسی با دولت خودگردان از جمله اهداف رژیم صهیونیستی در این جنگ بود که با اهداف خاورمیانه‌های آمریکا نیز همسویی داشت.

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مواضع برخی کشورهای عربی و تلاش آمریکا و متحدانش برای جلوگیری از قدرت‌یابی جریان‌های همسو با ایران و ایجاد قطب جدید قدرت برای جلوگیری از توسعه نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، در وقوع جنگ تأثیرگذار بود. یکی دیگر از اهداف اصلی جنگ ۲۲ روزه غزه، رهایی اسرائیل از کابوس شکست در جنگ ۳۳ روزه لبنان و احیای قدرت بازدارندگی این رژیم بود، اما همانگونه که حزب‌الله در آن جنگ توانست بر ارتش این رژیم پیروز شود، حماس نیز یک بار دیگر پایان افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را اثبات کرد.

منابع

- ۱ - المسیری، عبدالوہاب، (۱۳۸۵)، *تأثیر انتفاضہ بر رژیم صہیونیستی*، چاپ دوم، ترجمہ احمد کریمیان، قم: مؤسسہ بوستان کتاب.
- ۲ - امرایی، حمزہ، (۱۳۸۳)، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۳ - امینی، حسن، (۱۳۸۳)، *تأثیر حوادث ۱۱ سپتامبر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، قم: اعتدال.
- ۴ - پاشاپور یوالاری، حمید، (۱۳۸۱)، *امام خمینی (ره) و انتفاضہ فلسطین*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۵ - پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۷)، *تأثیر جنگ ۳۳ روزہ لبنان بر سیاست خاورمیانه‌های نومحافظہ کاران آمریکا*، قم: اعتدال.
- ۶ - چامسکی، نوام، (۱۳۸۷)، *ہژمونی یا بقا؛ تلاش آمریکا برای سطرہ جهانی*، ترجمہ اسودہ نوین، تهران: اطلاعات.
- ۷ - دہشیار، حسین، (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحدہ آمریکا*، تهران: قومس.
- ۸ - سعد غریب، امل، (۱۳۸۵)، *دین و سیاست در حزب اللہ*، ترجمہ غلامرضا تہامی، تهران: مؤسسہ مطالعات اندیشہ‌سازان نور.
- ۹ - سہرابی، محمد، (۱۳۸۶)، *استراتژی دفاعی در اندیشہ امام خمینی (ره)*، چاپ دوم، تهران: چاپ و نشر عروج.
- ۱۰ - مجرد، محسن، (۱۳۸۶)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست‌های بین‌الملل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۱ - محمدی، منوچہر، (۱۳۸۵)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاہ فرهنگ و اندیشہ اسلامی.

- ۱۲ - منصوری، جواد، (۱۳۸۵)، *آمریکا و خاورمیانه*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۳ - مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، (۱۳۸۲)، ۹۲ *دستاورد انقلاب اسلامی*، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه - اداره تبلیغات.
- ۱۴ - نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۳)، *بررسی تطبیقی سیاست‌های اروپا و آمریکا در خاورمیانه*، کتاب خاورمیانه ۱؛ ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۵ - ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۸۰)، *ایران و تحولات فلسطین*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۶ - هینبوش، ریموند الویشس، (۱۳۸۲)، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل‌محمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۷ - برژینسکی، زیگنیو، (۱۳۸۷)، «سیاست خاورمیانه‌های آمریکا کاملاً شکست خورده است»، *روزنامه جوان*، ۱۳۸۷/۱۰/۱۵.
- ۱۸ - بلچمن، باری و کافمن، تامارا، (پاییز ۱۳۷۸)، «تهدید و به کارگیری نیروی نظامی در سیاست خارجی آمریکا»، ترجمه بهادر امینیان، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۲۸، صص ۱-۳۴.
- ۱۹ - پورحسن، ناصر، (مرداد ۱۳۸۵)، «بررسی استراتژی نظامی اسرائیل و حزب‌الله در بحران اخیر»، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال چهارم، شماره ۳۹، صص ۵-۱۱.
- ۲۰ - پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷)، «اجلاس نیویورک؛ زمینه‌ها، اهداف و نتایج»، www.hadi.basijnews.net، (۱۳۸۷/۱۰/۲۹).
- ۲۱ - دلاورپوراقدام، مصطفی، (۱۳۸۶)، «حزب‌الله و مؤلفه‌های سیاست و امنیت در خاورمیانه»، www.aftab.ir، (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۲۲ - زارعی، سعدالله، (۱۳۸۷)، «همراهان به تل‌آویو نارو زدند»، www.basirat.ir، (۱۳۸۷/۱۰/۱۲).
- ۲۳ - شهنسؤالی، محمد، (۱۳۸۶)، «پیامدهای اقتصادی محاصره غزه»، *روزنامه اعتماد*، ۱۳۸۶/۷/۳.
- ۲۴ - شهیدی، فرزانه، (۱۳۸۷)، «کدامین صلح؟»، www.basirat.ir، (۱۳۸۷/۱۰/۱۱).
- ۲۵ - عبدالله، علیرضا، (۱۳۸۷)، «غزه؛ روی خط وادادگی عرب‌ها و ددمنشی صهیونیست‌ها»، www.irna5.ir، (۱۳۸۷/۱۰/۱۰).
- ۲۶ - موسی نافع، بشیر، (۲۰۰۶)، «لبنان، عرب‌ها و دولت عبری پس از قطعنامه ۱۷۰۱»، مرکز *اطلاعرسانی فلسطین* (۲۰۰۶/۸/۱۷).
- ۲۷ - اسرائیل برای حمله سراسری به غزه زمینه‌سازی می‌کند، *روزنامه اعتماد*، ۱۳۸۷/۱۰/۳.

- ۲۸ - بازیگران صحنه لبنان استراتژی‌ها، مواضع و چشم‌اندازها، خبرگزاری قدس، ۱۳۸۶/۵/۲.
- ۲۹ - پیامدهای پیمان غزه - اریحا، روزنامه رسالت، ۱۳۸۷/۴/۳۱.
- ۳۰ - رضایی، محسن، گفت‌وگوی اختصاصی با شبکه خبری العالم، www.tabnak.ir، ۱۳۸۷/۱۰/۹.
- ۳۱ - غزه در آتش و خون، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۱۰/۸.
- ۳۲ - گفتگوی خبری شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷/۱۰/۱۲.
33. <http://fa.wikipedia.org>.
34. <http://hadi.basijnews.ir/Detail.asp?ItemID=1998>.
35. <http://www.ayandenews.com/fa/pages/?cid=481>.
36. <http://www.ayandenews.com>, (8/10/1387).
37. <http://www.basirat.ir/news.aspx?newsid=70222>.
38. <http://www.basirat.ir/news.aspx?newsid=70233>.
39. <http://www.basirat.ir/news.aspx?newsid=70361>.
40. <http://www.Farsnews.com>, (5/10/1387).
41. <http://www.jomhourieslami.com>, (24/5/1385).
42. <http://www.mardomsalari.com/Template1/Article.aspx?AID=6913>.
43. <http://www.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=46617>.
44. <http://www.mardomsalari.com>, (11/10/1387).
45. <http://www.mehrnews.ir>, (20/1/1386).
46. <http://www.mehrnews.ir>, (25/1/1386).
47. <http://www.tabnak.ir>, (12/10/1387).
48. <http://www.l.farsnews.com/newstext.php?nn=8710050614>.

